

«عارضه‌ای بر عارض نوروز»

دیدن شکوفه کردن درختان و گل دادن گیاهان، امسال با اندوه توأم است. ما احساس جاماندگان از قطاری را داریم که برای رسیدنش روزشماری می‌کردیم.

«عارضه ای بر عارض نوروز»

سید محمد بهشتی



دیدن شکوفه کردن درختان و گل دادن گیاهان، امسال با اندوه توأم است. ما احساس جاماندگان از قطاری را داریم که برای رسیدنش روزشماری می‌کردیم. مگر امسال چه چیزی عوض شده؟ مگر نه اینکه امسال هم مثل هر سال، در روز و ساعتی معین سال تحویل می‌شود. مگر نه اینکه طبیعت کار خودش را می‌کند؛ روزها بلند و هوا لطیف و بهاری می‌شود و پرندگان سرخوشانه نغمه سرایی می‌کنند. سرور طبیعت که به راه است، پس چه چیزی حزن ما را برمی‌انگیزد؟ واقعیت این است که ما از غیبت خودمان در این بزم غمگینیم.

محزونیم چون امسال به سنت هرساله خبری از خانه تکانی، خرید و شلوغی خیابان‌های شب عید، و برنامه ریزی برای سفر یا دیدوبازدید و عیدی گرفتن نیست؛ اندوه ما به سبب منغص شدن عادات و آدابی است که لایه لایه به نوروز افزوده بودیم. نوروز مترادف با خرید، سفره هفت سین، سبزی پلو و ماهی، عیددیدنی و آجیل و سفر نیست. نه اینکه اینها بد باشد، اما همه آنها می‌تواند عارضه ای باشد بر عارض نوروز. آداب و رسوم برای این است که سطح تماسی میان ما و حقیقت رویدادها پدید آورد، اما در همان حال تبدیل شدنشان به عادت، ای بسا پرده ای میان ما و حقیقت ایجاد کند. مثل واژگان که همانقدر که می‌توانند حقیقت را روشن کنند، مستعدند که آن را در پرده ببرند؛ کلمات بسیار در معرض دستمالی شدن و افتادن زیر دست و پایند. واژه «آب» در استعمال هرروزه، خلوص و روشنایی اش مکدر می‌شود و تلاؤش را از دست می‌دهد. اما راه بازگرداندن زلالی آب به آن چیست؟ تشنه شدن. تشنگی آبرو را به آب بازمی‌گرداند. تشنگی از آب آشنایی زدایی می‌کند؛ آب می‌شود همان آب حیات.

پنداری در طول این سالها حقیقت نوروز لابلای همه بدوبدوها و گرفتاری‌هایی که برای خودمان دست و پا کرده بودیم، گم شده بود. حالا کرونا باعث شده که نوروز امسال آن نوروز آشنای هر سال نباشد. اگر از ما بپرسند امسال نوروز کی است، مشکل بتوانیم بگوییم نوروز امسال مثل همیشه اول فروردین است. چیزی درون ما می‌گوید که امسال نوروز وقتی است که احوالمان تغییر کند، حال قلب‌هایمان خوب شود، حال و روزمان بهتر از این شود، روزها را در دوری از عزیزان و شب‌ها را با نگرانی سپری نکنیم و خلاصه اگر امروز در قعر زندگی هستیم، نوروز آن روزی است که زندگی در اوج باشد و ما صاحب بهترین احوال. جالب اینکه حقیقت نوروز همین هاست. ما همین‌ها را هر سال حین تحویل سال از خداوند می‌خواهیم ولی امسال بهتر از هر سال معنای این خواسته را می‌فهمیم. مهابت حادثه ای که دچارش شده ایم، باعث آشنایی زدایی از نوروز شده است.

نوروز قرار نبود فقط روزی از تقویم باشد که می‌آید و می‌گذرد. از بدو امر قرار بوده انقلابی باشد؛ «قلب» شدن به معنی دگرگونی ای است که طی آن راه به باطن هر چیز بر ما گشوده می‌شود. اما این معنی از نوروز به تدریج مکدر شده و ما لابلای مشغله‌های شب عید، حقیقت نوروز را فراموش کردیم. امسال اما فرصتی مهیا شده که نوروز نیز از پوسته مکدر و ضخیم عاداتی که آن را احاطه کرده بود بیرون آید و حاق آن بر همه آشکار شود. نوروز آن شاهد گریزیابی است که امسال قصد کرده نقاب از رخ برکشد و به ما فرصت دهد تا بی نقاب ملاقاتش کنیم. اگر نوروز فرصت پرده برداری از همه چیز بود امسال خود نوروز نیز مشمول پرده برداری شده است.

کرونا به ظاهر خیابان‌ها را خالی از جمعیت کرده، فرصت ملاقات با هم را از ما گرفته، لذت خرید را با ترس و وسواس همراه کرده و هیجان سفر و دیدن طبیعت را توأم با عذاب وجدان. اما دور نیست روزهایی که ما خوش و فارغ از پریشانی‌ها، باز دور هم جمع شویم. گل بگوییم و گل بشنویم. آنها که بی صبر دیدارشان هستیم را تنگ در آغوش بگیریم و ببوسیم. به هر جای این شهر و این سرزمین سفر کنیم. داد دل از طبیعت بستانیم. از دیدن شور و حال خیابان‌ها کیف کنیم و قدرشناسانه از ساده‌ترین داشته‌هایمان لذت ببریم. آن روز نه فقط ما که نوروز هم به خواسته اش رسیده است. مگر همه این سال‌ها نیت نوروز جز شکستن عادت‌ها و نرم کردن و نزدیکی دلها بود. اگر همیشه ما منفعلانه ایستاده بودیم و نوروز اول فروردین می‌رسید و بر ما می‌گذشت، اینبار ماییم که پشت این قطار دویده‌ام؛ هر وقت که به آن برسیم آن روز نوروز است چه باک که اول فروردین نباشد!

seyedmohammadbeheshti@